



از امیدوکنلس تا ویتگنشتاین

آنتونی کنی

ترجمهٔ رضایعقوبی

از امید و کلس

تا ویتگنشتاین

جستارهایی تاریخی در فلسفه



بنگاه ترجمه و نشر
کتاب پارسه

سرشناسه: کنی، آنتونی، ۱۹۳۱ م. - Kenny, Anthony
عنوان و نام پدیدآور: از امپدوکلس تا ویتگنشتاین (جستارهایی تاریخی در فلسفه)/ آنتونی کنی / ترجمه
رضایعقوبی
مشخصات نشر: تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه ۱۴۰۲
مشخصات ظاهری: ۲۹۶ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۵۳-۹۳۷-۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
یادداشت: عنوان اصلی: From Empedocles to Wittgenstein : historical essays
in philosophy, 2008.

موضوع: فلسفه -- تاریخ
شناسه افزوده: رضایعقوبی، رضا، ۱۳۶۷، مترجم
رده‌بندی کنگره: B ۷۲
رده‌بندی دیویی: ۱۹۰
شماره کتابشناسی ملی: ۹۴۰۱۳۸۷



■ از امپدوکلس تا ویتگنشتاین

آنتونی کنی
ترجمه رضا یعقوبی
آماده‌سازی و تولید:
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه
طراحی گرافیک: پرویز بیانی
نوبت و شمارگان: چاپ اول ۱۴۰۳، ۵۰۰ نسخه

همه حقوق چاپ و نشر برای بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به دریافت اجازه کتبی از ناشر است.

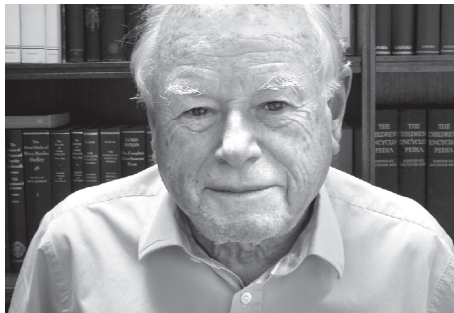
بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه

تهران، خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، خیابان شهدای ژاندارمری شرقی، پلاک ۷۴.

طبقه سوم، تلفن، ۰۵۶۴۴۷۷۴۰۵

parsehbookpublication@gmail.com

@ketabehparseh



آنتونی کینی (۱۹۳۱- انگلستان)

او استاد سابق کالج بالیول آکسفورد، نایب رئیس دانشگاه آکسفورد و رئیس فرهنگستان بریتانیا بوده است. حوزة فعالیت کینی، فلسفه تحلیلی، فلسفه ویتگنشتاین، فلسفه اخلاق، فلسفه ذهن و فلسفه دین است.

از دیگر آثار او:

تاریخ فلسفه غرب (چهار جلد)، ویتگنشتاین، ایمان چیست، ایمانوئل کانت، اختیار و مسئولیت، مابعدالطبیعة ذهن و اخلاق ارسطویی

فهرست

۹	مقدمه
۱۷	هفت مفهوم آفرینش
۳۵	حیات پس از اتنا: نظم و نثر امیدو کلس
۵۵	فضیلت و خوبی از نگاه افلاطون و ارسطو
۷۱	معیار ارسطو برای سعادت
۸۵	صدق عملی نزد ارسطو
۱۰۱	مقولات ارسطو نزد آباء لاتین
۱۱۹	ماهیت و وجود: آکویناس و فلسفه اسلامی
۱۵۱	زندگی فردی انسان از نگاه آکویناس
۱۶۹	توماس و توماس گرای
۱۷۹	آکویناس در امریکا
۱۹۵	«فلسفه فقط چیزهایی را بیان می کند که همه اذعان دارند»
۲۱۱	علم گرایی شناختی
۲۲۹	ویراست های آثار ویتگنشتاین
۲۴۷	معرفت، اعتقاد و ایمان
۲۷۳	وحدت معرفت و کثرت اعتقاد
۲۹۳	فهرست اختصارات
۲۹۵	کتابشناسی

مقدمه

سال‌ها پیش برای مشارکت اصیل در فلسفه بلندپروازی‌هایی داشتم، مخصوصاً مشارکت در فلسفه کنش انسان. امید داشتم به پرسش‌ها دربارهٔ ارادهٔ آزاد و جبرگرایی پاسخ قطعی بدهم و پس از ارزیابی بایسته، برنامه‌ریزی کردم تا منطق استدلال عملی را تدوین کنم. با پیش‌چشم‌داشتن این اهداف، دو کتاب منتشر کردم: کنش، عاطفه و اراده^۱ (۱۹۶۳) و اراده، آزادی و قدرت^۲ (۱۹۷۵). قرار بود کتاب سومی هم با عنوان توانایی، گرایش و کنش^۳ منتشر شود. اما این سه‌گانه هیچ‌وقت کامل نشد و آن طرح بزرگ هرگز به انجام نرسید.

در دوران حرفهٔ دانشگاهی‌ام بخت آن را داشتم که با بسیاری از بهترین فلاسفهٔ نیمهٔ دوم قرن بیستم آشنایی نزدیکی داشته باشم: گیلبرت رایل، پیتر استراوسون، الیزابت آنسکوم، ون کواین، دونالد دیویدسون و کسان دیگر. امتیاز بزرگی بود ولی اشکال‌های خودش را هم داشت. زود متوجه شدم که ذهن‌های موشکافت‌تری از من دارند و نمی‌توانم امیدوار باشم

1. *Action, Emotion and Will*

2. *Will, Freedom and Power*

3. *Power, Tendency and Action*

که به عنوان فیلسوفی اصیل با آن‌ها رقابت کنم. به این نتیجه رسیدم که بهترین راه برای استفاده از استعدادهای من این است که تاریخ‌نگار فلسفه شوم و بهترین تلاشم را صرف کمک به دیگران کردم تا به افکار بزرگ گذشتگان دست پیدا کنند.

به همین خاطر به جای انتشار تک‌نگاری‌های فلسفی بیشتر، شروع به نوشتن بررسی‌هایی از فلاسفه قبلی کردم. برخی از آن‌ها درآمدهای عمومی مختصری بودند مثل جزوه‌هایی دربارهٔ آکویناس، وایکلیف و تامس مور در مجموعهٔ اساتید سلف. باقی کتاب‌ها برای مخاطبان دورهٔ کارشناسی نوشته شدند، مثل متن درسی انتشارات رندوم‌هاوس دربارهٔ دکارت و مجلدهای انتشارات پنگوئن دربارهٔ فرگه و ویتگشتاین. دیگر کتاب‌ها مشارکت‌های اصیل پژوهشی بودند از جمله سه جلد دربارهٔ ارسطو و دو جلد دربارهٔ آکویناس. دیدم از کار کردن دربارهٔ فلاسفهٔ زمان‌های دور بیشتر از همراهی با دوره‌های فلسفی حاضر لذت می‌برم.

وقتی در سال ۲۰۰۱ از شغل دانشگاهی بازنشسته شدم، انتشارات دانشگاه آکسفورد از من خواست یک دوره تاریخ چهارجلدی فلسفهٔ غرب از طالس تا دریدا بنویسم. هر جلد باید در ۱۲۵ هزار واژه نوشته و هر جلد باید در هر سال از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۶ تحویل داده می‌شد. قرارداد انتشارات آکسفورد فرصت فوق‌العاده‌ای بود که در دوره‌ای پنج‌ساله، تاریخ فکری ۲۵۰۰ سال را برای خودم و دیگران ترسیم کنم. مجلدها به حسب وظیفه تقدیم و بین سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ منتشر شدند.

وظیفهٔ بیمناسکی بود. طی نیمهٔ دوم قرن بیستم، دو تاریخ فلسفهٔ یک‌نفره بر این حوزه غالب بودند؛ یکی تاریخچهٔ تک‌جلدی برتراند راسل، دیگری تاریخ ده جلدی پدر کاپلستون یسوعی. هر یک از این‌ها مزایا و معایب خود را داشتند: کتاب راسل درخشان اما از نظر تاریخی غیرقابل اعتماد بود؛ کتاب

کاپلستون تماماً مدبرانه اما به طرز یکنواختی، بی‌روح بود. تاریخ‌نگار فلسفه در حالت آرمانی باید بتواند مثل کاپلستون بخواند و مثل راسل بنویسد. متأسفانه نمی‌توانستم یکی از این دو باشم؛ نه می‌توانستم با محقق جامعی مانند کاپلستون رقابت کنم، نه می‌توانستم سبک بی‌رقیب راسل را تقلید کنم که جایزه نوبل ادبیات را برایش به ارمغان آورد. من هدف فروتنانه‌تری را در پیش گرفتم: دقیق‌تر از راسل و سرگرم‌کننده‌تر از کاپلستون باشم.

گاهی از من می‌پرسند در این پنج سال پژوهش تاریخی چه چیزهایی یاد گرفتم. در بالاترین سطح، از وقتی شروع به نوشتن کردم، قضاوت‌م درباره فلاسفه بسیار بزرگ تغییری نکرد. حالا هم مثل آن موقع شش فیلسوف بزرگ من، افلاطون، ارسطو، آکویناس، دکارت، کانت، و ویتگنشتاین‌اند. اما در سطح پایین‌تر، دیدگاه‌م درباره فلاسفه خاصی تا حد زیادی تغییر کرد. فلاسفه‌ای بودند که قبلاً آن‌ها را تحسین نمی‌کردم اما بسیار قدرشان را دانستم - فقط چهار نفر را نام می‌برم: افلوپتین، آبلار، شوپنهاور و هایدگر.

همچنین از من سؤال شده که کدام‌یک از فلاسفه بزرگ با شناخت بیشترم از او، پایین‌تر از قبل قرار گرفته است. پاسخ جدی خیر است، هرچند دریافتم بسیاری از چیزهایی که من و دیگران فکر می‌کردیم در اصل از دکارت‌اند، در واقع از رایج‌ترین چیزهای فلسفه قرون وسطای متأخر بوده‌اند. اما این باعث نشد دیدگاه من درباره او که از بزرگ‌ترین فلاسفه است، تغییر کند: او هر چه را از نخبگان فلسفه مدرسی حفظ کرده بود کاملاً به جهان عطا کرد.

با وجود کامل شدن این چهار جلد، مانند زمانی که نگارش جلد اول درباره فلسفه باستان را شروع کردم، هنوز به نظرم افلاطون و ارسطو بزرگ‌ترین فلاسفه تمام اعصار هستند. ولی مدت‌ها برایم سؤال بود که کدام‌یک از آن‌ها بزرگ‌تر است. حالا فکر می‌کنم پاسخ را پیدا کرده‌ام.

از این دو، افلاطون به عنوان فیلسوف، بزرگ‌تر است - در واقع بزرگ‌ترین فیلسوفی که وجود داشته است - چون او واقعاً با دست خالی این موضوع را ابداع کرد. مکالمه‌های او هنوز هم بهترین درآمد برای این موضوع‌اند چون به زبان عامیانه می‌نوشت، پیش از آنکه هیچ اصطلاح فلسفی فنی‌ای ابداع شده باشد و در آنچه امروز فلسفه محسوب می‌کنیم به‌راستی هیچ سلفی نداشت، هر چند پیش از او آموزگارانی الهام‌بخش مانند هراکلیتوس و دیوانگان نابغه‌ای مثل پارمنیدس وجود داشتند.

اما اگر افلاطون بزرگ‌ترین فیلسوف است، ارسطو از همه لحاظ بزرگ‌ترین نابغه است. او فلسفه را ابداع نکرد، علم را ابداع کرد. نه فقط در زیست‌شناسی، جانورشناسی، روانشناسی و سایر علوم، پیشگامی بزرگ بود، مبتکر کل ایده‌رشته علمی بود. اگر علم را یک تحقیق تجربی مشارکتی بدانیم که در مؤسسه‌های پژوهشی مجهز به کتابخانه به‌بار نشسته و از طریق دوره‌های آموزشی به نسل‌های بعد رسیده، در واقع داریم به چیزی فکر می‌کنیم که اولین بار در حلقهٔ ارسطو رخ داد.

در نوشتن مجلدهای تاریخ فلسفه‌ام، یک‌جور ارتباط دوبخشی در ذهن داشتم. برخی از مخاطبان اساساً به این دلیل خواندن تاریخ فلسفه را دوست دارند که دربارهٔ مردمان و جوامع گذشته روشنگری می‌کند. سایر مخاطبان آثار فلاسفهٔ بزرگ فقید را می‌خوانند تا موضوع‌های مربوط به فلسفهٔ حاضر برایشان روشن شود. برای برآورده کردن نیاز گروه اول در فصل‌های آغازین هر جلد، یک بررسی تاریخی از اندیشمندان آن دوره به دست دادم. برای برآوردن نیاز گروه دوم، فصل‌های موضوعی را ارائه دادم که نشان می‌دهند دورهٔ مدنظر به چه نحو در بحث از موضوع‌های فلسفی خاصی که اهمیت همیشگی دارند، سهم داشته است.

هم در فصل‌های تاریخی و هم موضوعی، دانشجویان سال دوم یا سوم

کارشناسی را به عنوان مخاطب در نظر داشتیم. اما هنگام نوشتن مرتب باید دربارهٔ مباحث بحث‌انگیز فلسفهٔ تاریخی موضع می‌گرفتم که فقط با بحث بسیار گسترده‌تر می‌شد برای مخاطب فاضل توجیه شود. گهگاه با دعوت از من برای سخنرانی یا مشارکت در یک جشن‌نامه، فرصت پیدا می‌کردم که توجیه کامل‌تری از برخی نتیجه‌گیری‌هایم ارائه دهم. این جستارها در حاشیهٔ آن تاریخ جهانی‌اند که جان کلام کتاب حاضر را تشکیل می‌دهند. این جستارها عمدتاً دربارهٔ چهار نفر از شش فیلسوف محبوب من‌اند، یعنی افلاطون، ارسطو، آکویناس و ویتگنشتاین.

جستار اول پاسخ من به سخنرانی استاد سارا برودی^۱ دربارهٔ جهان معقول افلاطون در نشست مشترک انجمن ذهن^۲ و انجمن ارسطو^۳ در ۲۰۰۴ است؛ این پاسخ در همان سال در جلد ۷۸ PASS منتشر شد. جستار دوم که تاکنون منتشر نشده، مشارکت من در همایشی دربارهٔ امیدوکلس در جزیرهٔ میکونوس به همت دکتر آپوستولوس پی‌پریس^۴ بود. دو فصل بعدی تا حد زیادی نسخه‌های بازبینی‌شدهٔ پاسخ‌هایی به استاد ترنس اروین^۵ و استاد جان کوپر^۶ در همایشی در سال ۲۰۰۲ دربارهٔ فلسفهٔ باستان‌اند که یونیورسیتی کالج لندن برگزارکنندهٔ آن بود و مقالات آن‌ها با عنوان اخلاق افلاطون و ارسطو به ویراستاری رابرت هینمن منتشر شد.^۷ «صدق عملی نزد ارسطو» مقاله‌ای برای جشن‌نامهٔ جان‌اتان بارنزا است. فصلی که دربارهٔ پذیرش مقولات ارسطو توسط آباء لاتین است برای کنفرانسی در ژنو در ۲۰۰۲ نوشته شد؛ این مقاله فقط به فرانسوی در مقولات و تاریخ آن‌ها^۸ منتشر شد.

از چهار مقالهٔ دربارهٔ آکویناس، اولی که تاکنون منتشر نشده برای نشست

1. Sarah Broadie

2. Mind Association

3. Aristotelian Society

4. Apostolos Pierris

5. T. Irwin

6. John Cooper

7. *Plato and Aristotle's Ethics*, ed. Robert Heinaman (Ashgate, 2003).

8. *Les Catégories et leur histoire*, ed. O. Bruun and L. Corti (Vrin, 2005).

بخش شرقی انجمن فلسفی امریکا در نیویورک در ۲۰۰۳ ارسال شد. فصل دوم و سوم دربارهٔ آکویناس مقالات بازنگری شده‌ای هستند که در سال ۲۰۰۵ در نشست انجمن فلسفی کاتولیک امریکا در دنیسون، اُهایو ارائه شدند. در آن نشست بود که مدال آکویناس را به من دادند؛ هر دو مقاله به همان شکل اولیه در سلسله مقالات انجمن منتشر شدند. مقالهٔ چهارم از مقالات نوشته شده برای مجلهٔ ادبی تایمز بود.

دو فصلی که دربارهٔ ویتگنشتاین اند برای کنفرانسی ارسال شدند که مجموعه مقالات آن اکنون منتشر شده‌اند: «فلسفه فقط چیزهایی را بیان می‌کند که همه اذعان دارند»، در نحوهٔ کار ویتگنشتاین به ویراستاری ای. آمرلر و ای. فیشر (راتلج، ۲۰۰۴)^۱ منتشر شدند؛ مقالهٔ «ویراست‌های ویتگنشتاین» در ویتگنشتاین، فیلسوف و آثارش (دانشگاه برگن، ۲۰۰۵) به ویراستاری آ. پیشلر و س. ساتلا^۲ منتشر شد. فصل سوم «علم‌گرایی شناختی» نوشته‌ای است در یادنامهٔ منتشر نشدهٔ پیتر هکر.

بیشتر جستارهایی که در این کتاب باز چاپ شده‌اند برای مخاطب پژوهشگران حرفه‌ای ارائه و منتشر شده‌اند. ولی دو مقالهٔ آخر از ابتدا برای عموم نوشته شدند. «معرفت، اعتقاد و ایمان» سخنرانی سالانه در نهاد سلطنتی فلسفه در سال ۲۰۰۷ بود و در نشریهٔ فلسفه شمارهٔ ۸۲ صفحات ۳۹۷-۳۸۱ منتشر شد. «وحدت معرفت و کثرت اعتقاد» سخنرانی سالانهٔ من در آتنوم بود و به‌عنوان فقرهٔ جداگانه‌ای در آتنوم منتشر شد.

کتاب‌شناسی، حاوی آثار جدیدی با ذکر جزئیات است که در متن جستارها آمده‌اند. این کتاب‌شناسی حاوی آثار کلاسیک، قرون وسطا و

1. E. Ammereller and E. Fischer (eds.), *Wittgenstein at Work* (Routledge, 2004).

2. A. Pichler and S. Saetela (eds.), *Wittgenstein, the Philosopher and his Works* (University of Bergen, 2005).

دورهٔ باستان نیست که ویراست‌های فراوانی دارند. این آثار روش ارجاع معیار خود را دارند.

از اجازهٔ بازنشر این مقالات سپاسگزارم و دین زیادی به پیتر ممتچیلوف، رابرت هایمن، بن مورین، مایکل باوئر، رابرت شورت، جان هایمن، تد هاندریک، ادوین پریچارد و نادیا العمار دارم.

1. Peter Momtchiloff, Robert Heinaman, Ben Morison, Michael Baur, Rupert Shortt, John Hyman, Ted Honderich, Edwin Pritchard and Nadiah Al-Ammar.